



The Dialectic of "Ta'aruf" and "I'tisam": Formulating the Quranic Model for the Convergence of National Identity and the Islamic Ummah in the Thought of Ayatollah Khamenei

Reza Mollazadeh¹ | Meisam Shoab²

Vol. 11
winter 2025

Research Paper

Received:
2025/06/21
Revised:
2025/08/26
Accepted:
2025/08/26
Published:
2025/12/22
P.P: 71-92

ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765



Abstract

Aiming to theorize the relationship between "national identity" and the "Islamic Ummah," this research formulates a Quranic model of convergence based on the dialectic of two principles, 'Ta'aruf' (mutual recognition) and 'I'tisam' (holding fast), and analyzes its application within the strategic thought of Ayatollah Khamenei. This study was conducted using a descriptive-analytical method, employing qualitative content analysis. The research population comprises key exegeses of the Holy Quran and the collected statements of Ayatollah Khamenei, which were selected via purposive sampling. The validity of the research was established through the cross-validation of multiple sources. Findings indicate that the Holy Quran formulates a dynamic model through the dialectic of two principles: 'Ta'aruf' (the affirmation of identity-based plurality, per Surah Al-Hujurat, 49:13) and 'I'tisam' (the imperative for transnational unity, per Surah Al-Imran, 3:103). The synthesis of this dialectic is achieved through the transcendent axis of 'Taqwa' (piety), which nullifies pre-Islamic (Jahili) hierarchies and integrates these pluralities within a cohesive 'single Ummah.' This theoretical model is transformed, in the thought of Ayatollah Khamenei, into an operational 'strategy of resistance' against the hegemonic system's divisive stratagems. Within this framework, national identities retain their existence while achieving cohesion and strategic strength under the umbrella of the single Ummah.

Keywords: Sedition, Islamic Ummah, Ayatollah Khamenei, definitions, piety, Islamic unity, national identity.

1. Corresponding Author: Postdoctoral Researcher, Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Email: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir
2 PhD, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

Cite this Paper: Mollazadeh, R; Shoab, M (2025). The Dialectic of "Ta'aruf" and "I'tisam": Formulating the Quranic Model for the Convergence of National Identity and the Islamic Ummah in the Thought of Ayatollah Khamenei. *State Studies of Contemporary Iran*, 4(11), 71–92.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



دیالکتیک «تعارُف» و «اعتصام» صورت‌بندی الگوی قرآنی هم‌گرایی هویت ملی و امت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)

رضا ملازاده یامچی^۱ | میثم شعیب^۲

دوره یازدهم
زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

صص: ۷۱-۹۲

شابا چاپ: ۲۷۸۳-۱۹۱۴

الکترونیکی: ۳۰۹۲-۷۷۶۵



چکیده

این پژوهش با هدف نظریه‌پردازی در باب نسبت «هویت ملی» و «امت اسلامی»، به صورت‌بندی الگوی هم‌گرایی قرآنی بر اساس دیالکتیک دو اصل «تعارُف» و «اعتصام» و تحلیل کاربست آن در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد. این مهم با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از «تحلیل محتوای کیفی» انجام شده است. جامعه تحقیق شامل تفاسیر کلیدی قرآن کریم و مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیدند و روایی تحقیق از طریق اعتبارسنجی متقابل منابع تأمین شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که قرآن کریم از طریق دیالکتیک دو اصل «تعارُف» (تأیید کثرت هویتی ذیل آیه ۱۳ حجرات) و «اعتصام» (الزام به وحدت فراملی ذیل آیه ۱۰۳ آل‌عمران)، یک الگوی پویا را صورت‌بندی می‌کند. سنتز این دیالکتیک از طریق محور استعلایی «تقوا» (حجرات: ۱۳) محقق می‌شود که با ابطال سلسله‌مراتب جاهلی، کثرت‌ها را در ذیل یک امت واحد منسجم می‌سازد. این الگوی نظری در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای به یک «راهبرد مقاومت» عملیاتی در برابر راهبرد تفرقه‌افکنانه نظام سلطه بدل می‌شود که در آن، هویت‌های ملی ضمن حفظ موجودیت خود، در چارچوب امت واحد به انسجام و قدرت راهبردی دست می‌یابند.

کلیدواژه‌ها: اعتصام، امت اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، تعارُف، تقوا، وحدت اسلامی، هویت

ملی.

۱. نویسنده مسئول: پژوهشگر پسا دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

Email: reza.mollazadehyamchi@alumni.um.ac.ir

۲. دکتری، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

استناد: ملازاده یامچی، رضا؛ شعیب، میثم، (۱۴۰۴). دیالکتیک «تعارُف» و «اعتصام» صورت‌بندی الگوی قرآنی هم‌گرایی هویت

ملی و امت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، **دولت پژوهی ایران معاصر**، ۴(۱۱)، ۷۱-۹۲.



مقدمه و بیان مسئله

یکی از گسست‌های بنیادین در جهان‌بینی سیاسی و اجتماعی دوران معاصر، به‌ویژه در جغرافیای جهان اسلام، تنش میان پارادایم «دولت-ملت» و افق تمدنی «امت» است. هویت ملی که بر اشتراکات قومی، زبانی و سرزمینی استوار است، در تعامل با هویت امت‌محور که بر پایه‌ی عقیده و ایمان، مرزهای جغرافیایی و نژادی را درمی‌نوردد، یک دوگانگی چالش‌برانگیز را پدید آورده است. (درویشی، فرهاد (۱۳۹۲). اثر بخشی روایت جنگ ایران و عراق در تعمیق هویت ایرانی - اسلامی. مجله ی سیاست دفاعی، سال بیست و دوم، شماره ی ۸۴، صفحات ۱۶۷ - ۱۳۵).

این آسیب‌پذیری، به یک راهبرد کلان در مهندسی سیاسی نظام سلطه برای مدیریت جهان اسلام بدل شده است (حسینی خامنه ای، ۱۸/۰۲/۱۳۸۳؛ حسینی خامنه ای، ۱۱/۰۷/۱۳۹۰؛ حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱). در اندیشه آیت‌الله خامنه ای، این یک واقعیت انکارناپذیر است که «آمریکا و صهیونیسم» به عنوان «دشمنان امت اسلامی»، به صورت فعالانه از طریق عمده‌سازی و دامن زدن به «اختلافات مذهبی، اختلافات قومی، اختلافات نژادی و زبانی»، در پی اخلال در روند همگرایی و تخریب انسجام جهان اسلام هستند (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱). این رویکرد تفرقه‌افکنانه، که گاه از زبان «بعضی افراد غافل هم تکرار می‌شود»، یک تهدید راهبردی است که ضرورت بازگشتی اصیل و روشمند به مبانی نظری قرآن کریم جهت استخراج و صورت‌بندی الگویی کارآمد برای مدیریت و هم‌گرایی این دو سطح از هویت را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در مواجهه با این مسئله، این پژوهش با هدف صورت‌بندی یک نظریه، استدلال می‌کند که متن قرآن کریم، نه تنها این دوگانگی را نادیده نمی‌گیرد، بلکه با ارائه یک «دیالکتیک» مفهومی پویا میان دو اصل «تعارف» و «اعتصام»، الگویی منحصربه‌فرد برای فرارفتن از این تعارض ظاهری ارائه می‌کند. از یک سو، اصل «تعارف» که در آیه ۱۳ سوره حجرات تجلی یافته (...وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا...)، به تنوعات بشری و تمایزات ملی و قومی مشروعیتی هستی‌شناختی می‌بخشد و آن را بستری برای شناخت متقابل، و نه تفاخر و تخاصم، معرفی می‌کند (برای نمونه: زحیلی، ۱۴۱۱ق، ۲۶: ۲۵۹؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶: ۸۸). از سوی دیگر، اصل «اعتصام» در آیه ۱۰۳

سوره آل عمران (وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...)، تمامی مؤمنان را به وحدتی فراگیر و تمسک به یک محور مشترک و فراملی (حبل الله) فرا می‌خواند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۲: ۱۲۲؛ رضا، ۱۴۱۴ق، ۴: ۱۹). سازوکار حل این دیالکتیک و نقطه سنتز آن، در یک «انقلاب معرفت‌شناختی» نهفته است که با محوریت «تقوا» (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ...)، تمامی سلسله‌مراتب ارزشی مبتنی بر نژاد و قومیت را باطل اعلام کرده (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶: ۸۸؛ حسینی خامنه‌ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱) و بدین ترتیب، امکان هم‌زیستی هویت‌های متکثر ملی ذیل چتر وحدت‌بخش امت اسلامی را فراهم می‌آورد. این الگوی نظری، آن‌گونه که در این مقاله نشان داده خواهد شد، در اندیشه راهبردی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به یک کاربست عملی و پاسخی به تهدیدات امنیتی-تمدنی معاصر تبدیل شده است.

پیشینه پژوهش

ادبیات نظری موجود در باب نسبت «هویت ملی» و «امت اسلامی» را می‌توان در سه جریان اصلی دسته‌بندی کرد: نخست، رویکردهای امت‌گرای مطلق که با تأکید بر اصالت و محوریت «امت واحده» (انبیاء: ۹۲)، هرگونه تفرقه مبتنی بر عصبیت‌های قومی و ملی را امری مذموم و مخالف فرمان صریح الهی به «اعتصام» می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲: ۸۰۵؛ مراغی، بی‌تا، ۴: ۱۶). این دیدگاه که ریشه در تفاسیر کلاسیک قرآن دارد، در اندیشه راهبردی معاصر نیز مبنای دعوت به وحدت اسلامی در برابر دشمنان مشترک قرار گرفته است (حسینی خامنه‌ای، ۰۶/۰۳/۱۳۹۳). دوم، رویکردهای ملی‌گرای اسلامی که در دوران معاصر و در مواجهه با پدیده «دولت-ملت» شکل گرفته و تلاش دارند تا با تفسیری سازگار از متون، هویت ملی را به عنوان یک واقعیت اجتماعی مشروع در چارچوب امت بازتعریف کنند. این جریان، چالش اصلی مقاله حاضر را صورت‌بندی می‌کند. سوم، پژوهش‌های متمرکز بر اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای که عمدتاً به تبیین کلان‌راهبرد «وحدت اسلامی» و ضرورت مقابله با استکبار پرداخته‌اند (برای نمونه: حسینی خامنه‌ای، ۱۱/۰۷/۱۳۹۰؛ حسینی خامنه‌ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱).

با این حال، علی‌رغم غنای این پژوهش‌ها، شکاف تحقیقی مشخصی به چشم می‌خورد: تاکنون تحقیقی که به صورت نظام‌مند و با ابزار مفهومی «دیالکتیک»، به تحلیل نسبت میان دو اصل قرآنی

«تعارف» (به مثابه مبنای هستی‌شناختی کثرت ملی) و «اعتصام» (به مثابه الزام الهیاتی وحدت امت) در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای پیردازد، صورت نگرفته است. پژوهش حاضر دقیقاً برای پر کردن این شکاف نظری و ارائه یک صورت‌بندی نوین و عمیق‌تر از این هم‌گرایی طراحی شده است.

چارچوب نظری و پرسش‌های تحقیق

این پژوهش، نسبت میان هویت ملی و امت اسلامی را بر پایه یک چارچوب دیالکتیکی مستخرج از قرآن تحلیل می‌کند. ابزارهای مفهومی این چارچوب عبارتند از:

تذ - اصل «تعارف»: «این اصل (حجرات: ۱۳)، به کثرت هویتی بشر (شعوب و قبائل) مشروعیت هستی‌شناختی بخشیده و غایت آن را «شناخت متقابل» و نه «تفاخر» جاهلی معرفی می‌کند.

آنتی‌تذ - اصل «اعتصام»: «این فرمان الهیاتی (آل عمران: ۱۰۳)، مؤمنان را به وحدت فراگیر و گذار از تفرقه از طریق تمسک جمعی به «حبل الله» فرا می‌خواند.

سنتز - محور «تقوا»: «این اصل محوری) *إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ*، با ابطال کامل سلسله‌مراتب ارزشی مبتنی بر نژاد و قومیت، دیالکتیک را حل می‌کند. در این سنتز، کثرت‌های هویتی «تعارف» ضمن حفظ کارکرد شناسایی، در چارچوب امت واحده «اعتصام»، هم‌گرا و معنادار می‌شوند.

بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: ۱. مبانی هستی‌شناختی و الهیاتی قرآن برای به رسمیت شناختن کثرت‌های هویتی (ملی، قومی، زبانی) ذیل اصل «تعارف» چیست؟

۲. مبانی و الزامات قرآنی برای وحدت فراملی و گذار از عصیتهای جاهلی ذیل اصل «اعتصام» کدام‌اند؟

۳. دیالکتیک میان «تعارف» و «اعتصام» چگونه از طریق محور استعلایی «تقوا» به یک الگوی هم‌گرا و منسجم تبدیل می‌شود؟

۴. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) با کاربست این الگوی قرآنی، چگونه یک راهبرد مقاومت در برابر راهبرد تفرقه‌افکن دشمن صورت‌بندی می‌کند؟

روش تحقیق

برای پاسخ به این پرسش‌ها، این تحقیق از روش «تحلیل محتوای کیفی» بهره می‌برد. جامعه داده‌ها در این پژوهش با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب گردیده است؛ بدین ترتیب که ابتدا آیات کلیدی مرتبط با مفاهیم «امت»، «ملت»، «شعوب» و «اعتصام» شناسایی شده و سپس با مراجعه به تفاسیر کلیدی و تأثیرگذار در تاریخ اندیشه اسلامی (از جمله تفاسیر طبری، زمخشری، فخر رازی، طبرسی و طباطبایی) و همچنین کلان‌داده‌های بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، تمامی گزاره‌های مرتبط با این آیات به صورت نظام‌مند استخراج گردید. روایی تحقیق نیز از طریق اعتبارسنجی متقابل منابع تأمین شد؛ به این معنا که یافته‌های تفسیری از یک منبع، با دیدگاه‌های سایر مفسران مقایسه و تطبیق داده شد تا نقاط اشتراک (اجماع تفسیری) و افتراق، شناسایی و تحلیل گردد. این فرآیند، امکان صورت‌بندی یک الگوی منسجم و قابل دفاع را فراهم می‌آورد.

مبانی هستی‌شناختی کثرت: بازخوانی جایگاه «شعوب»، «قبائل» و «ملت» در قرآن

پیش از ورود به بحث «اعتصام» و الزام به وحدت، درک دقیق نگاه قرآن به واقعیت «کثرت» و تمایزات بشری ضروری است. گفتمان قرآنی، نه تنها وجود این تمایزات را نادیده نمی‌گیرد، بلکه با مفاهیم و آیاتی کلیدی، به آن مشروعیتی هستی‌شناختی و غایتی الهیاتی می‌بخشد. در کانون این نگاه، مفهوم «تعارُف»^۱ قرار دارد که صرفاً به معنای شناخت سطحی نیست، بلکه یک اصل فلسفی-اجتماعی است که بر اساس آن، خداوند کثرت و تنوع در هویت‌های بشری (شعوب و قبائل) را به عنوان بستری برای «شناخت متقابل معرفت‌بخش» و نه «تفاخر جاهلانه» بنیان نهاده است (برای نمونه: طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶: ۸۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۸: ۱۱۲؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ۶: ۳۳۴۸). این اصل، ضمن تأیید و به رسمیت شناختن ساختارهای طبیعی اجتماعی و قومی، منطق ارزشی حاکم بر آن‌ها را دگرگون می‌سازد و کثرت را نه به عنوان مبنایی برای تفرقه، بلکه به عنوان بستری برای معرفت و آیت‌شناسی معرفی می‌کند.

1. mutual recognition

واکاوی مفهومی «ملت»: از آیین ابراهیمی تا دولت-ملت

نخستین گام برای جلوگیری از خوانش زمان‌پیشانه، واکاوی مفهومی واژه «ملت» است. در آیه ۹۵ سوره آل عمران، خداوند امر به پیروی از «مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا» می‌کند. مفسران، از متقدمین تا متأخرین، در این نکته اتفاق نظر دارند که «ملة ابراهیم» در این سیاق، به معنای دین، آیین، شریعت و طریقت اوست (طبری، ۱۴۱۲ق، ۴: ۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸: ۲۹۴؛ قاسمی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۵۵). این ملت، هویتی معنوی است که با اصول اعتقادی (توحید) و احکام عملی (مانند مناسک حج و حلیت اطعمه) تعریف می‌شود (سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۳۱؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ۲: ۹۰) و بر «استقامت بر اسلام و شرایع آن» دلالت دارد، نه بر یک هویت قومی یا نژادی (طبری، ۱۴۱۲ق، ۴: ۵).

بنابراین، «ملت» در واژگان‌شناسی قرآن، اساساً یک هویت عقیدتی-معرفتی است که بر التزام به یک روش الهی استوار است (طوسی، بی تا، ۲: ۵۳۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸: ۲۹۴) و با مفهوم مدرن «دولت-ملت» که مبتنی بر مرزهای سیاسی-جغرافیایی است، تمایزی بنیادین دارد. با این حال، این هویت عقیدتی دارای ابعاد سیاسی نیز هست که نه در جغرافیا، بلکه در مفهوم محوری «ولایت» و التزام به رهبری الهی تجلی می‌یابد. این هویت، هنگامی که در چارچوب الزام به وحدت ذیل «حبل الله» قرار می‌گیرد، ساختاری اجتماعی-سیاسی را ایجاد می‌کند که در تفاسیر کلیدی، مصداق آن «توحید و ولایت» معرفی شده است (قمی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۱۰۸). این تمایز دقیق، نقطه عزیمت حیاتی برای فهم نسبت اسلام با ملی‌گرایی و نشان‌دهنده اولویت هویت ایمانی بر هر تعلق دیگر است.

«شعوب» و «قبائل»: ساختارهای طبیعی شناسایی و غایت «تعارف»

آیه ۱۳ سوره حجرات، با خطاب جهانی (یا أَيُّهَا النَّاسُ) و یادآوری منشأ واحد خلقت، هرگونه مبنای ذاتی برای تفاخر نژادی را باطل می‌سازد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴: ۳۷۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۸: ۳۲۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۳: ۳۱۲). در قلب این آیه، فلسفه وجودی تقسیمات بشری به «شعوب و قبائل»، صرفاً «تعارف» یا شناخت متقابل معرفی شده است. گرچه مفسران در تمایز دقیق این دو واژه، رویکردهایی چون سلسله‌مراتب نسبی (جصاص، ۱۴۰۵ق، ۵: ۲۹۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴:

(۳۷۴) یا تمایز قومی-جغرافیایی (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۳۲۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۹: ۲۰۶) را مطرح کرده‌اند، اما بر سر این غایت، اجماع دارند. این شناخت متقابل، ضمن داشتن کارکردهای ضروری اجتماعی مانند سامان‌دهی انساب و معاملات (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶: ۸۸؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۶: ۲۱۴)، به آن محدود نمی‌شود. «تعارف» در منطوق قرآن، پادزهر «تفاخر» و «تخاصم» جاهلی و بستری برای «تعاون» است (قطب، ۱۴۲۵ق، ۶: ۳۳۴۸؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۲۱: ۱۵۹). افزون بر این، نفس تنوع در زبان‌ها و رنگ‌ها که زمینه را برای این شناخت فراهم می‌کند، خود یک «آیت» الهی برای اهل علم است (روم: ۲۲). بنابراین، «تعارف» فرآیندی برای کشف حکمت الهی در کثرت خلقت نیز محسوب می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۵: ۹۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۷۳). نهایتاً، این منظومه در پرتو اصل «تقوا» معنا می‌یابد و قرآن با این چرخش پارادایمی، منطق حاکم بر هویت‌های جمعی را از «تفاخر» جاهلانه به «تعارف» معرفت‌بخش تغییر می‌دهد.

تنوع به مثابه نشانه: مشروعیت الهیاتی کثرت زبانی و نژادی

این مشروعیت‌بخشی به کثرت، در آیه ۲۲ سوره روم ابعادی کیهانی و معرفت‌شناختی می‌یابد. در این آیه، «وَ اٰخْتَلَفُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ» در کنار «خلق آسمان‌ها و زمین» به عنوان یکی از «آیات» و نشانه‌های خداوند برای «اهل علم» معرفی شده است (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۳: ۴۱۰). این اختلاف، که شامل تنوع زبان‌ها (عربی، فارسی، رومی و...) و گوناگونی رنگ‌ها (سفید، سیاه، سرخ و...) می‌شود، از منظر قرآن یک پدیده تصادفی یا نامطلوب نیست، بلکه نشانه‌ای از قدرت، حکمت و تدبیر خالق است که در عین وحدت منشأ، کثرتی بی‌نهایت را به نمایش می‌گذارد (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۶: ۲۷۹؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ۲۱: ۳۳).

مفسران تأکید می‌کنند که این تنوع، خود دارای کارکردی حکیمانه برای «تعارف» و تمایز است که بدون آن، مصالح بسیاری در زندگی اجتماعی بشر، از جمله شناسایی افراد و برقراری عدالت، مختل می‌شد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۷۳؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۲۵: ۹۲). زمخشری با اشاره به تفاوت در «نظم و اسلوب» و سایر صفات نطق و همچنین تفاوت در «صور و تخطیط آن»، این تنوع را دلیلی بر حکمت الهی در ایجاد تمایز برای تحقق تعارف می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳: ۴۷۳) بدین

ترتیب، قرآن با معرفی تنوعات نژادی و زبانی به عنوان یک «آیت الهی»، به این کثرت‌ها جایگاهی هستی‌شناختی و مثبت اعطا می‌کند و آن را از یک واقعیت صرفاً اجتماعی به موضوعی برای تأمل معرفتی و آیت‌شناسی برای «العالمین» (اهل دانش و بصیرت) ارتقا می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۸: ۴۷۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۴: ۲۰۴). این نگاه، زمینه را برای پذیرش هویت‌های متکثر و ملی در گام بعدی فراهم می‌سازد، پیش از آنکه به الزام وحدت‌بخش «اعتصام» بپردازد.

الزام الهیاتی وحدت: واکاوی مفاهیم «اعتصام»، «امت واحده» و «جبل الله»

پس از آنکه در بخش پیشین، مبانی قرآنی تأیید و مشروعیت‌بخشی به کثرت‌های بشری تحلیل گردید، اینک بحث به وجه متقابل این دیالکتیک، یعنی «الزام الهیاتی به وحدت» منتقل می‌شود. در مرکز این الزام، مفهوم «اعتصام»^۱ قرار دارد که یک فرمان الهیاتی-راهبردی برای «گذار آگاهانه و جمعی» از وضعیت هلاکت‌بار تفرقه‌جایی (تَفَرُّق) به وضعیت قدرتمند اخوت ایمانی (أُخُوْت) است (برای نمونه: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸: ۳۱۱؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۶: ۱۹۱؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۲/۰۴/۱۳۹۸). اعتصام، استعاره‌ای است از چنگ زدن به ریسمان استوار و عاصم الهی («جبل الله») تا جامعه را از سقوط در پرتگاه نزاع‌های داخلی نجات بخشد (طوسی، بی‌تا، ۲: ۵۴۵؛ شریف‌رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۴). این فرمان که با قید «جمیعاً» همراه شده، بر ماهیت جمعی و اجتماعی آن تأکید دارد و نشان می‌دهد که وحدت، نه یک انتخاب فردی، بلکه یک پروژه تمدنی و شرط لازم برای بقا و عزت امت اسلامی است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۱؛ حسینی خامنه‌ای، ۰۳/۰۵/۱۳۸۸).

«امت واحده»: افق غایی هویت توحیدی (تحلیل آیه ۹۲ انبیاء)

آیه ۹۲ سوره انبیاء (إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً)، افق نهایی هویت جمعی مطلوب در قرآن را ترسیم می‌کند. در خوانش غالب مفسران، «امت» به معنای «دین»، «ملت» یا «شریعت» واحدی است که تمام انبیاء، از آدم (ع) تا خاتم (ص)، منادی آن بوده‌اند (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۴: ۳۱۴؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۳: ۹۲؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۲: ۴۴۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۹: ۸۴). این وحدت، نه در

1. holding fast

فروع، بلکه در اصول اعتقادی و عبادی ریشه دارد و شریعت از آن رو «امت» نامیده شده که اهل آن بر یک «مقصد واحد» اجتماع می‌کنند (طوسی، بی تا، ۷: ۲۷۷). بنابراین، آیه دعوتی است به پیوستن به این جریان توحیدی تاریخی و پرهیز از تفرقه‌های پیشین (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۷: ۳۷۴). در تبیینی عمیق‌تر، علامه طباطبایی «امت» را ناظر به «نوع انسانی» می‌داند که ذاتاً واحد است و منطقی‌اً نمی‌تواند جز یک «رب واحد» داشته باشد؛ نگاهی که الزام به وحدت را در حقیقتی وجودی و فطری ریشه‌دار می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۴: ۳۲۲). این وحدت هستی‌شناختی برای تحقق اجتماعی، نیازمند ساختاری عینی است. در برخی تفاسیر، این ساختار سیاسی با مفهوم «امامت» پیوند ناگسستنی می‌یابد؛ به ویژه آنکه «حبل الله» در آیه اعتصام (آل عمران: ۱۰۳)، به «ولایت علی بن ابی طالب (ع)» و «آل محمد (ص)» تفسیر شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۱۹۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۹۰). از این منظر، امت واحده صرفاً یک افق معنوی نیست، بلکه نظامی سیاسی است که هویت خود را در التزام به رهبری الهی باز می‌یابد.

فارغ از تفاوت دیدگاه‌ها، پیام نهایی آیه، صورت‌بندی یک «هویت توحیدی» است که بر سایر هویت‌های متکثر (قومی، نژادی) اولویت دارد. این هویت برتر بر دو پایه استوار است: پذیرش «ربوبیت» انحصاری خداوند (وَإِنَّا رَبُّكُمْ) و التزام عملی به آن از طریق «عبودیت» (فَاعْبُدُونِ). این مبانی نظری، در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای نیز بازتاب یافته است؛ ایشان اشتراک در عقاید بنیادین (خدا، قرآن، پیامبر، قبله) و داشتن دشمن واحد را برای تشکیل «امت واحده» کافی می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶). بدین ترتیب، «امت واحده» افق غایی است که هویت‌های جزئی را در یک کلان‌روایت توحیدی بازتعریف کرده و مقدمه نظری تحقق وحدت از طریق «اعتصام» را فراهم می‌آورد.

«اعتصام بحبل الله»: فرمان الهی برای گذار از تفرقه به اخوت

اگر «امت واحده» (انبیاء: ۹۲) افق غایی هویت جمعی است، آیه ۱۰۳ سوره آل عمران راهبرد تحقق آن را صورت‌بندی می‌کند. «اعتصام» در این آیه، یک کنش فعالانه، جمعی و دستوری است که جامعه را از وضعیت بالفعل «عداوت جاهلی» به وضعیت مطلوب «اخوت ایمانی» منتقل می‌سازد. استعاره قدرتمند «حبل الله»، جامعه را که بر «لبه پرتگاه آتش» تفرقه قرار دارد (شریف

رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۴)، به تمسک آگاهانه به یک ریسمان استوار برای نجات فرا می‌خواند (طوسی، بی تا، ۲: ۵۴۵؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ۸: ۳۱۱). این ریسمان الهی، سبب مبتنی است که پیوند میان عبد و رب را برقرار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۳: ۳۶۸؛ بقاعی، ۱۴۲۷ق، ۲: ۱۳۱).

در باب چستی «جبل الله»، تفاسیر یک منظومه کامل را معرفی می‌کنند که دارای سه بعد مکمل است: بعد متنی که همان «کتاب الله» و «دین اسلام» است (ماوردی، بی تا، ۱: ۴۱۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ۳: ۱۲۵؛ ابن زید به نقل از طبری، ۱۴۱۲ق، ۴: ۲۱)؛ بعد اجتماعی که بر «جماعت» و کلیت امت تأکید دارد (ابن مسعود به نقل از طبری، ۱۴۱۲ق، ۴: ۲۱)؛ و بعد رهبری که در تفاسیر شیعی، بر «ولایت اهل بیت (ع)» تطبیق داده شده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ۱: ۱۹۴؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۹۰). علامه طبرسی با استناد به حدیث ثقلین، این ریسمان الهی را ترکیبی جدایی‌ناپذیر از «کتاب الله و عترت» می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ۲: ۸۰۵). قید «جمیعاً» و نهی صریح از «تفرقه»، این دستور را از یک توصیه فردی به یک راهبرد اجتماعی الزام‌آور بدل می‌کند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۳۱؛ مراغی، بی تا، ۴: ۱۶).

آیه در ادامه، با یادآوری وضعیت قبایل اوس و خزرج، مصداق تاریخی این گذار را تئوریزه می‌کند: «وَأذْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا. این تحول، یک دگرگونی ماهوی از هویت مبتنی بر «عصیت» قبیله‌ای به هویت مبتنی بر «اخوت» ایمانی بود (ابن اسحاق به نقل از سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۳۴؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۱۰۸). قرآن با اشاره به اینکه آنان پیش از این بر «لبه پرتگاه آتش» قرار داشتند، نشان می‌دهد که تفرقه، مقدمه هلاکت است و «اعتصام»، تنها راه نجات و دستیابی به حیات طیبه اجتماعی است (شریف رضی، ۱۴۰۶ق: ۱۲۴؛ فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۶: ۱۹۱). بدین سان، «اعتصام بجبل الله» راهکار گذار از پراکندگی‌های جاهلی به سوی انسجام و قدرت امت واحد را تضمین می‌کند.

وحدت به مثابه قدرت: دلالت‌های اجتماعی و راهبردی امت‌گرایی

در گفتمان قرآن، فرمان به «اعتصام» و افق غایی «امت واحده»، از سطح یک آرمان انتزاعی فراتر رفته و به مثابه یک سازوکار جامعه‌شناختی برای تولید «قدرت» در ابعاد اجتماعی و راهبردی عمل می‌کند. این گذار از تفرق به وحدت، با تبدیل انرژی‌های ویرانگر داخلی به سرمایه اجتماعی سازنده، امت اسلامی را از مجموعه‌ای متکثر و آسیب‌پذیر به یک کنشگر منسجم و تأثیرگذار در

عرصه جهانی بدل می‌سازد. این دلالت‌های قدرت‌ساز را می‌توان در دو سطح مکمل، یکی در تفاسیر کلاسیک و دیگری در اندیشه راهبردی معاصر، پیگیری کرد.

در سطح نخست، قدرت بنیادین وحدت در تفاسیر کلاسیک و در توانایی آن برای غلبه بر منازعات داخلی و ایجاد همبستگی اجتماعی پایدار، تبلور می‌یابد. مصداق بارز تاریخی که خود آیه ۱۰۳ آل عمران به آن استناد می‌کند، پایان یافتن جنگ‌های مزمن میان قبایل اوس و خزرج است (ابن اسحاق به نقل از سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۳۴؛ قمی، ۱۳۶۳ش، ۱: ۱۰۸). این قبایل که پیش از اسلام در وضعیت «عداوت» و بر «لَبَّهٔ پرتگاه آتش» جنگ داخلی قرار داشتند، با نعمت اسلام و الفت قلوب به «برادری» تبدیل شدند که بنیان یک ساختار اجتماعی قدرتمند را در مدینه شکل دادند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۶: ۱۹۱). این گذار از «عصیت» به «اخوت»، به عنوان اولین و ضروری‌ترین سطح از تولید قدرت، با ایجاد انسجام داخلی، پیش شرط لازم برای ظهور قدرت امت در مقیاس کلان محسوب می‌شود.

این منطق کلاسیک، در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای به یک نظریه قدرت کاربسته و معطوف به عمل تکامل می‌یابد. برای فهم این تکامل، باید به سازوکار قرآنی گذار از وحدت به قدرت توجه کرد که از مسیر «اخوت» می‌گذرد. همانگونه که آیه ۱۰۳ آل عمران تصریح می‌کند، نتیجه مستقیم اعتصام به جبل‌الله، صرفاً پایان خصومت نیست، بلکه یک تحول ماهوی از طریق «تألیف قلوب» است: «فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا». این «اخوت ایمانی»، که جایگزین «عداوت جاهلی» می‌شود (ابن اسحاق به نقل از سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۱: ۲۳۴)، خود سازوکار تولید قدرت است. جامعه‌ای متشکل از «برادران»، با حذف انرژی ویرانگر نزاع‌های داخلی که پیشتر آن را در «لَبَّهٔ پرتگاه آتش» قرار داده بود (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ۶: ۱۹۱)، سرمایه اجتماعی خود را برای کنشگری منسجم در عرصه بیرونی آزاد می‌سازد. بنابراین، «قدرت» در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، نتیجه طبیعی و سیاسی همین اخوت است. از منظر ایشان، وحدت امت اسلامی «سلاحی مهم» و «عاقلانه‌ترین راه» برای مواجهه با تهدیدات «نظام سلطه» است (حسینی خامنه‌ای، ۱۵/۱۱/۱۳۸۹؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۸/۰۲/۱۳۸۳)، زیرا این وحدت، تجلی بیرونی همان اخوت درونی است که انرژی‌های متفرق را به یک نیروی هم‌افزا تبدیل می‌کند. در این نگاه، مناسکی چون حج، از آن رو «رزمایش قدرت» است که در عمل، «برادری و همدلی» میان ملت‌های مسلمان را به نمایش

می‌گذارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۵/۰۷؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱). از این رو، «وحدت اسلامی» نه یک تاکتیک، که یک «اصل قرآنی» و «فریضه‌ای سیاسی و سنگری تمدنی» است (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۰۶/۲۶؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۰۴/۱۲) که از طریق سازوکار «اخوت»، به تولید قدرت راهبردی منجر می‌شود.

سازوکار هم‌گرایی: «تقوا» به مثابه محور استعلایی و ابطال معیارهای جاهلی

پس از تبیین دو قطب دیالکتیکی گفتمان قرآنی، یعنی «تعارف» به مثابه تأیید کثرت و «اعتصام» به مثابه الزام به وحدت، اکنون سازوکار قرآنی برای حل این تنش ظاهری و نیل به هم‌گرایی آشکار می‌شود. نقطه سنتز این دیالکتیک و گذار از تقابل به تکامل، در یک «محور استعلایی» نهفته است که با بازتعریف بنیادین معیار ارزش‌گذاری انسان، هر دو قطب را در یک منظومه منسجم و پویا جای می‌دهد. این محور استعلایی و سازوکار هم‌گرایی، همانا اصل محوری «تقوا» است.

انقلاب ارزشی: تفوق «تقوا» بر «نسب» و بر ساخت سلسله‌مراتب نوین الهی

فراز پایانی آیه ۱۳ سوره حجرات، «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»، با شالوده‌شکنی نظام ارزشی جاهلیت، یک «انقلاب معرفت‌شناختی و ارزشی» را رقم می‌زند و سلسله‌مراتبی نوین و الهی را برمی‌سازد. در اجماع مفسران، این آیه نهی صریح از هرگونه برتری‌جویی نژادی، ملی و تفاخر به انساب، احساب و ثروت است (قمی، ۱۳۶۳ش، ۲: ۳۲۲؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ۵: ۲۹۳؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶: ۸۸). خداوند با این گزاره، معیار «کرامت» را از اموری ذاتی و موروثی (همچون تعلقات قبیله‌ای و نژادی) به امری کاملاً اکتسابی، درونی و معنوی، یعنی «تقوا»، منتقل می‌کند. تقوا کیفیت روحی-رفتاری و قابل‌تحصیل برای همگان است که در تفاسیر به «شدت پرهیزگاری در فرائض و معاصی» (طبری، ۱۴۱۲ق، ۲۶: ۸۸)، «اجتناب از رذائل اخلاقی» (قاشانی به نقل از قاسمی، ۱۴۱۸ق، ۸: ۵۳۸) و «احساس مسئولیت و تعهد برآمده از ایمان» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ۱۶: ۵۶۰) تعریف شده است.

این دگرگونی پارادایمیک، در بستر تاریخی نزول وحی و سنت نبوی نیز به روشنی تثبیت شده است. شأن نزول‌های متعددی که این آیه را پاسخی به تحقیر بلال حبشی (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ۴: ۹۶؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ۳: ۳۲۹) یا تفاخر ثابت بن قیس به نسب خود (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ۵: ۱۵۲) می‌دانند، نشان‌دهنده کاربست عینی آن در مقابله با نژادپرستی و عصبیت قبیله‌ای است. این اصل در خطبه‌های پیامبر اکرم (ص) به یک مانیفست اجتماعی بدل شد که بر اساس آن، مردم به دو دسته «برّتی کریم» و «فاجر شقی» تقسیم می‌شوند و ملاک‌هایی چون رنگ و نسب جای خود را به دین، اخلاق و عقل می‌دهند (به نقل از ترمذی در دروزه، ۱۴۲۱ق، ۸: ۵۲۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ۵: ۱۱۳). این منطق در روایات دیگر مبنی بر ارجحیت «نسب تقوا» در قیامت (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۱۳: ۳۱۲) و نظر کردن خداوند به «قلوب و اعمال» نه صورت و اموال (پانی‌پتی، ۱۴۱۲ق، ۹: ۵۶)، بازتاب یافته است. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای نیز همین آیه، مبنای نفی هرگونه امتیاز قومی و نژادی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۲/۱۸). بدین ترتیب، قرآن با ابطال معیارهای جاهلی، سلسله‌مراتب نوینی برپا می‌کند که در آن، کرامت انسان نه به خون و خاک، بلکه به میزان قرب او به خداوند از طریق تقوا سنجیده می‌شود.

تقوا به مثابه منطق حاکم: تنظیم دیالکتیکی کثرت (تعارف) و وحدت (اعتصام)

همین انقلاب ارزشی، به مثابه سازوکار کانونی عمل می‌کند که به قرآن امکان می‌دهد تا دیالکتیک میان «تعارف» و «اعتصام» را تنظیم و مدیریت نماید. در این منظومه، «تقوا» به مثابه «منطق حاکم»، رابطه میان کثرت و وحدت را از یک تقابل متناقض به یک رابطه طولی و مکمل تبدیل می‌کند. از یک سو، اصل تقوا، «تعارف» و کثرت‌های هویتی را از انحراف به ورطه «تفاخر» مصون می‌دارد. تا زمانی که برتری بر اساس نژاد و قبیله تعریف شود، «تعارف» (شناخت متقابل) به سادگی به «تناکر» (ناشناسی خصمانه) و «تخاصم» (دشمنی) منجر می‌شود. اما هنگامی که معیار کرامت، «تقوا» باشد، هویت‌های ملی و قومی از بار ارزشی کاذبی که منجر به عصبیت و استکبار می‌شود، تهی گشته و به جایگاه اصلی و کارکردی خود که همانا «شناسایی» است، بازمی‌گردند. در این چارچوب، انسان متقی ضمن به رسمیت شناختن هویت خود، آن را ملاک برتری بر دیگران قرار نمی‌دهد و این، شرط لازم برای همزیستی مسالمت‌آمیز کثرت‌هاست.

از سوی دیگر، اصل تقوا شرط امکان و تحقق «اعتصام» و وحدت امت است. تا زمانی که افتخارات جاهلی و عصبیت‌های قومی حاکم باشند، شکل‌گیری «امت واحده» که در آن هر گروه هویت خود را در تضاد با دیگری تعریف می‌کند، ناممکن است. تقوا با از میان برداشتن این موانع، یک «زبان مشترک» و «افق غایی مشترک» برای تمامی مسلمانان فراهم می‌آورد و هدف مشترک نیل به قرب الهی، قوی‌ترین پیوندی است که قلوب مؤمنان را حول «حبل الله» متحد می‌سازد. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با اشاره به اینکه «ملاک برتری، تقواست»، این اصل را مبنای «یکی بودن» و «برادری» انسان‌ها و رافع انگیزه‌های تفرقه معرفی می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱؛ حسینی خامنه‌ای، ۲۴/۰۶/۱۳۷۱). بنابراین، تقوا نه تنها مانع از تأثیر مخرب کثرت می‌شود، بلکه به عنوان زیربنای ارزشی، تحقق وحدت را ممکن می‌سازد. در این سنتز دیالکتیکی، هویت ملی (موضوع تعارف) در جایگاه واقعی خود به رسمیت شناخته می‌شود، اما معنا و ارزش غایی خود را در حرکت به سوی افق وحدت‌بخش امت (موضوع اعتصام) و بر اساس معیار استعلایی تقوا می‌یابد.

کاربست نظریه: صورت‌بندی الگوی قرآنی در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله)

پس از تبیین چارچوب نظری دیالکتیک «تعارف-اعتصام» و نقش محوری «تقوا»، تحلیل کاربردی این الگو در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای، بُعد عملیاتی و معاصر آن را آشکار می‌سازد. ایشان با استناد نظام‌مند به همین آیات، به یک دکترین منسجم برای آسیب‌شناسی وضعیت جهان اسلام و صورت‌بندی راهکارهای برون‌رفت از آن دست می‌یابد. در این دیدگاه، مفاهیم قرآنی از سطح اصول اعتقادی و اخلاقی فراتر رفته و به ابزارهای تحلیلی قدرتمند برای فهم معادلات جهانی و مؤلفه‌های ایجابی برای برساختن یک امت مقتدر ارتقاء می‌یابند.

آسیب‌شناسی وضعیت موجود: «تفرقه» به مثابه راهبرد دشمن

نقطه عزیمت تحلیل آیت‌الله خامنه‌ای، یک آسیب‌شناسی راهبردی از وضعیت کنونی جهان اسلام است. از منظر ایشان، مشکل اصلی و ریشه‌ای امت اسلامی، نه وجود کثرت‌های قومی و مذهبی، بلکه «تفرقه» و «اختلاف» است که به مثابه یک «سم مهلک»، قدرت و انسجام آن را زایل

کرده است (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱). ایشان این تفرقه را یک پدیده طبیعی یا محصول ارگانیک تفاوت‌های درونی نمی‌داند، بلکه آن را نتیجه یک «راهبرد» و «مهندسی سیاسی» از سوی دشمنان مشخص امت اسلامی معرفی می‌کند. این دشمنان که صراحتاً «آمریکا و صهیونیسم» و «سردمداران رژیم‌های جبار» معرفی می‌شوند، با هدف تضعیف جهان اسلام و تأمین منافع نامشروع خود، به صورت فعالانه در پی «ایجاد اختلاف» و «تفرقه‌انگیزی» هستند (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱؛ حسینی خامنه ای، ۱۸/۰۲/۱۳۸۳).

ابزار اصلی این راهبرد، دقیقاً بهره‌برداری و «عمده کردن» گسل‌های هویتی موجود در جهان اسلام است (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱). این راهبرد دشمن، بر وارونه‌سازی فلسفه قرآنی «تعارف» استوار است. تنوعاتی که در آیه ۱۳ سوره حجرات بستری برای شناخت متقابل و در آیه ۲۲ سوره روم آیت الهی معرفی شده بود، در این مهندسی سیاسی به ابزاری برای تخصیص بدل می‌گردد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکید می‌کند که دشمنان با برجسته‌سازی «اختلافات مذهبی» (شیعه و سنی)، «اختلافات قومی» (عرب و عجم)، و «اختلافات نژادی و زبانی»، این تمایزات طبیعی را به موتور محرکه دشمنی و درگیری تبدیل می‌کنند (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱؛ حسینی خامنه ای، ۱۱/۰۷/۱۳۹۰).

هدف نهایی از این راهبرد تفرقه‌افکن، از دیدگاه ایشان، چندلایه است. نخست، منحرف کردن اذهان امت اسلامی از «خطر اصلی» که همانا «صهیونیسم» و رژیم غاصب صهیونیستی است تا این رژیم بتواند با «آسودگی» به حیات خود ادامه دهد (حسینی خامنه ای، ۲۹/۰۵/۱۳۹۱؛ حسینی خامنه ای، ۰۶/۰۳/۱۳۹۳). دوم، «سرگرم کردن مسلمانان» به منازعات داخلی تا از پرداختن به مسائل کلان تمدنی و مقابله با استکبار جهانی باز بمانند. و سوم، ممانعت از شکل‌گیری یک «امت واحده» و یکپارچه که در صورت تحقق، به یک قدرت عظیم و تأثیرگذار در معادلات جهانی تبدیل خواهد شد و منافع نظام سلطه را به چالش خواهد کشید (حسینی خامنه ای، ۱۱/۰۷/۱۳۹۰). این آسیب‌شناسی دقیق که تفرقه را نه یک عارضه داخلی، بلکه یک پروژه خارجی می‌داند، به طور منطقی به ضرورت اتخاذ یک «راهبرد مقابله» مبتنی بر وحدت منجر می‌شود که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

راهبرد مقابله: «وحدت اسلامی» به‌مثابه فریضه‌ی سیاسی و سنگر تمدنی

در مقابل آسیب‌شناسی «تفرقه به‌مثابه راهبرد دشمن»، امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یک «راهبرد مقابله» قرآنی و منسجم را صورت‌بندی می‌کند که هسته مرکزی آن، «وحدت اسلامی» است. در این اندیشه، وحدت یک شعار اخلاقی یا تاکتیک مقطعی نیست، بلکه یک «اصل قرآنی» و یک «فریضه سیاسی» است که برآمده از فرمان صریح الهی در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران یعنی «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» می‌باشد (حسینی خامنه‌ای، ۱۸/۰۳/۱۳۹۲؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۶۷۰). ایشان با تأکید بر قید «جمیعاً»، استدلال می‌کند که حتی اعتصام به حبل‌الله نیز باید به صورت جمعی و در سایه اتحاد صورت گیرد، امری که نشان‌دهنده اهمیت بنیادین «اجتماع» در منطق اسلام است (حسینی خامنه‌ای، ۰۵/۰۵/۱۴۰۱).

این راهبرد وحدت‌گرا، بر پایه‌هایی عینی و مشترک استوار است که فراتر از تمایزات مذهبی و قومی قرار می‌گیرند. از منظر ایشان، «اعتقاد به قرآن، اعتقاد به پیامبر، اعتقاد به خدای واحد، اعتقاد به کعبه‌ی واحد و قبله‌ی واحد» و علاوه بر آن، «درمقابل داشتن جبهه‌ی واحد دشمن»، بنیان‌های مستحکمی هستند که برای تحقق «امت واحده» کفایت می‌کنند (حسینی خامنه‌ای، ۰۶/۰۳/۱۳۹۳). بنابراین، وحدت در این نگاه، امری قابل دسترس و مبتنی بر واقعیات مشترک ایمانی و تهدیدات مشترک راهبردی است، نه یک آرمان دور از دسترس.

کارکرد این وحدت، دوگانه و مکمل است. از یک سو، وحدت اسلامی یک «سنگر تمدنی» و راهبردی دفاعی است که امت را در برابر پروژه مهندسی‌شده تفرقه‌مصون می‌دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۲/۰۴/۱۳۹۸). این اتحاد، پادزهر «سم مهلک» اختلاف است و مانع از آن می‌شود که دشمنان با سوءاستفاده از گسل‌های هویتی، اراده خود را بر جهان اسلام تحمیل کنند. از سوی دیگر، این وحدت، یک «سلاح مهم» و ابزاری برای کنشگری فعال و کسب قدرت است (حسینی خامنه‌ای، ۱۵/۱۱/۱۳۸۹). امتی که از طریق «اعتصام» به انسجام درونی دست یافته، به یک بلوک قدرتمند تبدیل می‌شود که می‌تواند «عزت» خود را بازیابد، از حالت انفعال و عقب‌ماندگی خارج شود و در برابر اراده «قدرت‌های بزرگ و در رأس آنها آمریکا»، ایستادگی و سرپیچی نماید (حسینی خامنه‌ای، ۰۳/۰۵/۱۳۸۸؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۵۲۹؛ کلاه چیان، محمود (۱۳۹۸).

کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره چهل و سوم، صفحات ۵-۳۲).

این راهبرد در مناسکی چون حج، به یک «رزمایش قدرت» و «نمایش توانایی‌های سخت و نرم امت» بدل می‌شود که در آن، برادری، همدلی و هم‌افزایی میان ملت‌های مسلمان، عملاً توطئه‌های تفرقه‌افکنانه را خنثی کرده و پیام وحدت را به جهانیان مخابره می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۰۵/۰۷؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱). در نهایت، راهبرد مقابله‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، ترجمان عملی و استراتژیک مفاهیم قرآنی «اعتصام» و «امت واحده» در جهان معاصر است. این راهبرد، وحدت را از یک مفهوم صرفاً الهیاتی به یک پروژه سیاسی-تمدنی ارتقا می‌دهد که هدف آن نه تنها دفع تهدید، بلکه برساختن یک امت مقتدر، عزیز و تأثیرگذار در معادلات جهانی است.

کاربست نظریه: از اخوت ایمانی تا قدرت راهبردی؛ صورت‌بندی نهایی الگوی مقاومت

اکنون با روشن شدن سازوکار قرآنی‌گذار از «اعتصام» به «اخوت» و از «اخوت» به «قدرت»، می‌توان صورت‌بندی نهایی الگو در اندیشه راهبردی آیت‌الله خامنه‌ای را تبیین کرد. در این اندیشه، قدرت برآمده از اخوت ایمانی، یک هدف فی‌نفسه نیست، بلکه به یک «راهبرد مقاومت» کارآمد در برابر «نظام سلطه» ترجمه می‌شود. این الگو، که ترجمان عملی دیالکتیک قرآنی «تعارف» و «اعتصام» است، نه تنها به دنبال نفی هویت ملی نیست، بلکه با ایجاد یک رابطه طولی و معنادار، ظرفیت‌های ملی را در چارچوب یک امت قدرتمند و متحد، برای تحقق اهداف متعالی اسلامی بسیج می‌کند. سه سطح این الگوی هم‌گرا عبارتند از: به رسمیت شناختن کثرت‌ها ذیل «تعارف»، تنظیم ارزش‌گذارانه آن‌ها با محوریت «تقوا»، و نهایتاً هم‌افزایی آن‌ها در چارچوب «امت واحده» برای دستیابی به قدرت راهبردی و مقاومت فعال.

نخستین سطح این الگو، به رسمیت شناختن و مشروعیت بخشی به هویت‌های ملی و قومی بر اساس اصل قرآنی «تعارف» است. در این نگاه، تمایزات مبتنی بر زبان، نژاد و جغرافیا (فارس، عرب، ترک و...) که در آیه ۱۳ حجرات به «شعوب» و «قبائل» تعبیر شده، یک واقعیت طبیعی و بستری برای شناسایی متقابل است و فی‌نفسه مذموم نیست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۵/۲۹). این

الگو، با ناسیونالیسم افراطی که هویت ملی را به یک امر مقدس و غایت‌نهایی بدل می‌کند، مرزبندی کرده اما واقعیت وجودی ملت‌ها و تعلقات فرهنگی-سرزمینی را انکار نمی‌کند. سطح دوم، سطح تنظیم‌گری و ارزش‌گذاری است که از طریق اصل «تقوا» عمل می‌کند. در این الگو، هویت‌های ملی و قومی، منبع تعیین ارزش و کرامت انسانی نیستند. معیار برتری و محور هویت، امری استعلایی است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۵/۲۹؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۲/۱۸). این «انقلاب ارزشی» قرآنی، رقابت‌های مخرب ملی و نژادی را به یک «مسابقه» سازنده در مسیر «عمل به اسلام، ایجاد برادری، و سرپیچی از اراده قدرت‌های بزرگ» بدل می‌کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۵/۲۹). بدین ترتیب، انرژی و ظرفیت‌های ملی، به جای آنکه در مسیر تفاخر جاهلی و تخاصم با دیگر ملت‌های مسلمان به کار گرفته شود، در راستای اهداف والاتر امت اسلامی جهت‌دهی می‌شود.

سطح سوم و نهایی، سطح «اعتصام» و هم‌گرایی در چارچوب «امت واحده» است. در این الگو، هویت‌های ملی تنظیم‌شده با معیار تقوا، در نهایت ذیل چتر فراگیر «امت اسلامی» معنا و کارکرد راهبردی می‌یابند. فرمان «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»، همه ملت‌ها و اقوام مسلمان را به ایجاد یک جبهه واحد در برابر «دشمن آشکار» فرامی‌خواند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۵/۲۹). در این چارچوب، هویت ملی نه تنها تضعیف نمی‌شود، بلکه در پناه یک امت قدرتمند، از آسیب‌پذیری در برابر توطئه‌های تفرقه‌افکنانه مصون می‌ماند و خود به یکی از ارکان قدرت آن امت تبدیل می‌گردد. در جمع‌بندی نهایی، الگوی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یک مدل هم‌گرایی پویاست که در آن، «تعارف» به معنای پذیرش واقعیت ملت‌ها، «تقوا» به مثابه منطق حاکم بر ارزش‌ها، و «اعتصام» به مثابه راهبرد تحقق وحدت عمل می‌کند. حاصل این هم‌گرایی، تبدیل امت اسلامی از مجموعه‌ای از دولت-ملت‌های متفرق و آسیب‌پذیر، به یک بلوک تمدنی قدرتمند و کنشگر است که می‌تواند در برابر نظام سلطه، یک «راهبرد مقاومت» کارآمد و همه‌جانبه را به پیش ببرد. (حبیبی، نیک بخش (۱۳۸۷). راهبرد مطلوب نظامی نظریه‌ی دفاع ولایی بنیان‌مرصوص» در جنگ ناهم‌تراز با نگرش به اصل «دفاع نبوی». مجله سیاست دفاعی، سال شانزدهم، شماره ۶۴، صفحات ۱۱۵-۱۶۴).

نتیجه گیری

این پژوهش با ارائه یک صورت‌بندی نظری نوین، استدلال می‌کند که قرآن کریم برای مدیریت نسبت پیچیده «هویت ملی» و «امت اسلامی»، یک الگوی دیالکتیکی منسجم را بر پایه دوگانه «تعارف» و «اعتصام» بنیان نهاده است. این الگو در یک قطب، از طریق اصل «تعارف» (حجرات: ۱۳)، به کثرت‌های هویتی مشروعیت هستی‌شناختی می‌بخشد و آن را بستری برای شناخت متقابل، و نه تفاخر، معرفی می‌کند. در قطب مقابل، با فرمان الهی به «اعتصام» (آل عمران: ۱۰۳)، وحدت فراملی را به مثابه یک ضرورت راهبردی برای نیل به قدرت و اخوت ایمانی الزام‌آور می‌سازد.

نقطه سنتز و سازوکار حل این دیالکتیک، در اصل محوری «تقوا» نهفته است؛ یک «انقلاب ارزشی» که با ابطال سلسله‌مراتب جاهلی مبتنی بر نژاد و قومیت، کثرت‌ها را به جایگاه کارکردی غیرارزشی خود بازگردانده و همزمان، زمینه را برای وحدت حول یک محور استعلایی فراهم می‌آورد. این مقاله نشان می‌دهد که این چارچوب نظری در اندیشه راهبردی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به یک «راهبرد کلان مقاومت» در برابر پروژه تفرقه‌افکنانه نظام سلطه ترجمه و عملیاتی شده است. در این دکتترین، «وحدت اسلامی» که برآمده از اعتصام است، پادزهر راهبرد تفرقه‌افکنی دشمن (وارونه‌سازی تعارف) بوده و هویت‌های ملی ضمن حفظ موجودیت خود، در چارچوب امت واحده، هم‌افزا و قدرت‌ساز می‌شوند.

در نهایت، این پژوهش با فراتر رفتن از دوگانه‌های کلاسیک «ملیت‌گرایی/امت‌گرایی»، یک پارادایم سوم و پویا را صورت‌بندی می‌کند. الگوی «تعارف-تقوا-اعتصام» نه تنها یک راهکار نظری برای هم‌زیستی هویت‌های متکثر است، بلکه یک نقشه راه عملی برای تبدیل جهان اسلام از مجموعه‌ای از دولت‌های آسیب‌پذیر به یک بلوک تمدنی قدرتمند، مستقل و کنشگر در معادلات جهانی محسوب می‌شود.

فهرست منابع

- قرآن کریم
- آلوسی، محمود بن عبدالله. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۵ ق.
- ابن عاشور، محمدطاهر. تفسیر التحریر و التنویر (تفسیر ابن عاشور). بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب. المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۲ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر). بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۹ ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان. البرهان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه، ۱۴۱۵ ق.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر. نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۷ ق.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. أنوار التنزیل و أسرار التأویل (تفسیر البیضاوی). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- پانی پتی، ثناءالله. التفسیر المظہری. کویت، پاکستان: مکتبه رشدیہ، ۱۴۱۲ ق.
- جصاص، احمد بن علی. احکام القرآن (جصاص). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- حبیبی، نیک بخش، (۱۳۸۷)، راهبرد مطلوب نظامی نظریه ی دفاع ولایه بنیان مرصوص» در جنگ ناهم‌تراز با نگرش به اصل «دفاع نبوی»، مجله سیاست دفاعی، شماره مسلسل ۶۴، پاییز، از صفحه ۱۱۵ تا صفحه ۱۶۴.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۱ ق.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی. "بیانات در دیدار کارگزاران نظام." ۲۴/۰۶/۱۳۷۱.
- ".....بیانات در دیدار کارگزاران نظام." ۱۸/۰۲/۱۳۸۳.
- ".....بیانات در دیدار جمعی از قاریان." ۰۳/۰۵/۱۳۸۸.
- ".....خطبه‌های نماز جمعه تهران." ۱۵/۱۱/۱۳۸۹.
- ".....بیانات در دیدار کارگزاران حج." ۱۱/۰۷/۱۳۹۰.
- ".....خطبه‌های نماز عید فطر." ۲۹/۰۵/۱۳۹۱.
- ".....بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی." ۲۹/۰۵/۱۳۹۱.
- ".....بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم." ۱۸/۰۳/۱۳۹۲.
- ".....بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی." ۰۶/۰۳/۱۳۹۳.

- " .بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات بین‌المللی قرآن. " ۰۶/۰۲/۱۳۹۷ .
- " .بیانات در دیدار کارگزاران حج. " ۱۲/۰۴/۱۳۹۸ .
- " .پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج. " ۰۷/۰۵/۱۳۹۹ .
- " .بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور. " ۰۵/۰۵/۱۴۰۱ .
- " .بیانات در دیدار جمعی از علما و بزرگان اهل سنت کشور. " ۲۶/۰۶/۱۴۰۳ .
- دروازه، محمد عزه. التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول. بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۲۱ ق.
- درویشی، فرهاد، (۱۳۹۲)، اثر بخشی روایت جنگ ایران و عراق در تعمیق هویت ایرانی - اسلامی، مجله ی سیاست دفاعی، شماره مسلسل ۸۴، پاییز، از صفحه ۱۳۵ تا صفحه ۱۶۷.
- رضا، محمد رشید. تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار. بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۴ ق.
- زحیلی، وهبه. التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج. دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۱ ق.
- زمخشری، محمود بن عمر. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۷ ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد. تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم. بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین. تلخیص البیان فی مجازات القرآن. بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۶ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی). اربد، اردن: دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
- طبری، محمد بن جریر. جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری). بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
- طوسی، محمد بن حسن. التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
- عباس، عبدالله بن. تنویر المقباس من تفسیر ابن عباس. گردآوری مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی. بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- عیاشی، محمد بن مسعود. التفسیر (تفسیر العیاشی). تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ ق.
- فضل‌الله، سید محمدحسین. من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
- فخر رازی، محمد بن عمر. التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- فرات کوفی، فرات بن ابراهیم. تفسیر فرات الکوفی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
- قاسمی، جمال‌الدین. تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل. بیروت: دارالکتاب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۱۸ ق.
- قطب، سید. فی ظلال القرآن. بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ ق.

قمی، علی بن ابراهیم. تفسیر القمی. قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
کلاه چیان، محمود، (۱۳۹۸)، کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، شماره مسلسل چهل و سوم، تابستان، از صفحه ۵ تا صفحه ۳۲.
ماوردی، علی بن محمد. النکت و العیون تفسیر الماوردی. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، بی‌تا.
ماتریدی، محمد بن محمد. تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی). بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ ق.
مراغی، احمد مصطفی. تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
مقاتل بن سلیمان. تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
مکارم شیرازی، ناصر. الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (ع)، ۱۴۲۱ ق.
مغنیه، محمدجواد. التفسیر الکاشف. قم: دارالکتاب الإسلامی، ۱۴۲۴ ق.

